

عنصر زنانگی در آثار استاین؟

شکوه حاجی نصرالله



مسئله تحقیق

دارد. چرا؟ برای یافتن پاسخ، دست به کار پژوهشی در آثار ترجمه شده استاین، در بازار کتاب ایران شدم که می‌خوانید.

جامعه تحقیق

ساختار متن و تصویر، در آثار ترجمه شده شل سیلور استاین در ایران^۱، به عنوان جامعه آماری، برای این پژوهش انتخاب شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق، تحلیل محتوایی آثار مورد بحث

با هر بار ورود به دنیای آثار شل سیلور استاین، از خود می‌پرسم «آیا در این آثار، کلیشه‌های تبعیض جنسی وجود دارد؟» «آیا ساختار پدرسالارانه در آثار او شکسته شده است؟» و «آیا او انسان را با وجود تفاوت‌هایش، فارغ از جنسیت، به تصویر درآورده است؟» و اما چرا این سؤالات برایم طرح شد؛ سؤالاتی که نمی‌دانستم آن را چگونه تعریف کنم.

با نگاهی کلی بر آثار او، می‌بینیم که تصاویر و شخصیت‌های خلق شده، عموماً جنسیت مردانه

و هدف آن، بررسی آثار از نظر وجود یا عدم وجود کلیشه‌های تبعیض جنسی است.

ابزار تحقیق

آثار مورد بحث، براساس سه فرم تحلیل شده است که عبارتند از:

فرم اول

جنسیت شخصیت اصلی در هر شعر و داستان که شامل ارزیابی آماری و مقایسه تعداد شخصیت‌های نرینه و مادینه است، نظر به این که در آثار مورد بررسی، عموماً با سه دنیای متفاوت راوی، شخصیت‌های موجودیت یافته در اثر و مخاطب مواجه می‌شویم که مدام با هم در حال گفت‌وگو و دیالوگ هستند، جنسیت نمایندگان این سه دنیای موجود، در آثار مورد بررسی را در این فرم مورد نظر قرار داده‌ایم.

فرم دوم

در این فرم، فعالیت‌های (فعالیت خانگی، تربیتی با کودکان، حرفه‌ای، اجتماعی و اوقات فراغت) شخصیت‌های موجودیت یافته در آثار، شامل ارزیابی آماری و مقایسه فعالیت آنها با هم مورد نظر است.

فرم سوم

رفتارهای اجتماعی - عاطفی شخصیت‌های موجودیت یافته در آثار (نرینه و مادینه)، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. رفتارهای مورد بحث، شامل عواطف مثبت و منفی و ضعف و قدرت شخصیت‌های مذکر و مؤنث است.

تعاریف مورد استفاده در این تحقیق

* واحد تحلیل جنسی: واحد تحلیل جنسی، شخصیت زن و مرد است. خواه این شخصیت، به

صورت انسان (کودک، جوان، میانسال و کهنسال) و خواه به صورت حیوانی نر یا ماده ترسیم شده باشد.

* تبعیض جنسی: شکل‌های متعدد نابرابری براساس جنسیت را دربرمی‌گیرد. به بیان روشن‌تر، تبعیض جنسی عبارت است از برخورد یا عملی که براساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد و به مفهوم باز هم وسیع‌تر، تبعیض جنسی گرایشی است که برای تکریم یک جنس، جنس دیگر را تحقیر می‌کند.

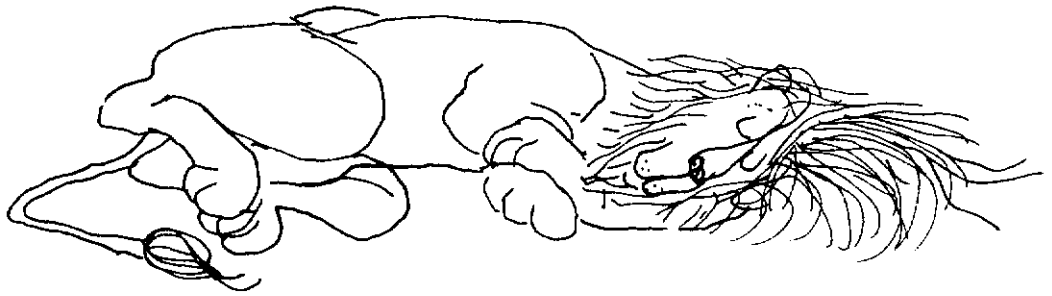
* کلیشه: کلیشه چیزی است که بی‌هیچ تغییری، تکرار و باز تولید می‌شود. با الگویی ثابت و عام انطباق دارد و از تشخیص خصوصیات فردی و تفاوت‌ها عاجز است. از آن جا که کلیشه با تعمیم نا به جا و ساده‌انگاری افراطی همراه است، پدیده‌ای منفی به حساب می‌آید که به تحریف واقعیت می‌انجامد. کلیشه‌ها ممکن است به جنبه جسمانی یا به خصوصیات فردی، عاطفی و یا به جنبه‌ای از موقعیت اجتماعی یک گروه انسانی (زنان یا مردان) مربوط شود.

* آنیما (Anima): «یونگ، آن بخش از ناخودآگاه مرد را که حاوی عنصر زنانه است، آنیما می‌نامد. آنیما منتج از سه عامل است: تصویر جمعی زن (تجربه باستانی مرد از زن) که مرد به ارث برده است، اصل مادینگی نهفته در مردان که عنصر زنانه در مردان به شمار می‌رود و تجربه زنانگی مرد که در اثر برخورد با زنان، در طول زندگی به دست می‌آید.

مادر، نخستین تصویر آنیما برای پسر است. آنیما تنها از طریق برخوردهای واقعی که یک مرد در طول مسیر زندگی خود با زن دارد، خودآگاه و قابل لمس می‌شود.»^(۱)

۱. فور دهام فریدا، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی یونگ، مترجم: دکتر حسین یعقوب پور، تهران: نشر اوجا، ۱۳۷۴.





سرکوب شده و فروخته در نگاه را به تصویر می‌کشد. در شعر «دعای کودک خودخواه»، از کتاب «چراغی در زیر شسیروانی»، چنین می‌خوانیم: «می‌خواهم بخوابم / از خدای بزرگ می‌خواهم که روحم را حفظ کند... / و اگر در خواب مُردم / تمام اسباب‌بازی‌هایم را بشکنند / تا بچه دیگری از آنها استفاده نکند! / آمین! /

مخاطب از رودرویی این دو دنیا، دنیای درونش و دنیای بیرونی، به خنده می‌افتد و به فکر فرو می‌رود. او نقش‌های قراردادی را که محیط اجتماعی به او تحمیل کرده، به بازبینی می‌نشیند و شاید در این رهگذر، آن چه را که ضرورت دارد، از آن چه زاید است، جدا می‌سازد. مخاطب در فضای راحت و واقعی و ساده کتاب‌های «عموشلیبی»، دمی نفس تازه می‌کند و در سفر به دنیای فراموش شده درون، نیرویی کسب می‌کند. *

۲- آثاری که از رفتار شخصی و اجتماعی انسان، در قالب آشکار و یا نمادین، سخن می‌گوید. نمونه، شعر کبوتر صلح، از کتاب باغ‌وحش رویایی: «خوب گوش کنید بچه‌ها! / کبوتر نماد صلح است / برای همین ما در این دنیا یک عالم کبوتر داریم / فقط یک چیزی کم داریم و آن صلح است / حالا کی می‌داند «صلح» کجاست؟ / و یا در شعر «ژنرال‌ها»، از کتاب «جایی که پیاده‌رو تموم می‌شه»: «... لزومی داره این کشتن و مردن؟ دیگه مال‌آور شده، چیکار کنیم؟ / ژنرال گور گفت، موافقم که جنگ نکنیم /... مایوی من حسابی پاره پوره‌س. / چه کنم؟ / بهتر ما همون جنگمون رو ادامه بدیم / ژنرال گور گفت، من کاملاً موافقم که جنگ کنیم / و نمونه‌های دیگر را در کتاب درخت بخشنده و «لافاکادیو» می‌توان یافت.

تقسیم‌بندی موضوعی آثار سیلور استاین

آثار مورد بررسی را از نظر موضوعی، در سه گروه عمده قرار داده‌ایم:

۱- آثاری که در آنها «عموشلیبی»، بزرگسالی که بچه‌ها را درک می‌کند، از احساساتی سخن می‌گوید که بزرگسالان آن را انکار می‌کنند. نمونه: از شعر «مثل نی‌نی» «راستی می‌دانی مامان این نی‌نی را بیشتر را از تو دوست دارد؟» از کتاب الفبای انگلیسی عموشلیبی.

عموشلیبی از کنش‌هایی با بچه‌ها سخن می‌گوید که آنها حتی جرأت بیان آن را ندارند. نمونه، قطعه «زنگ کار دستی» از کتاب الفبای انگلیسی عموشلیبی: «حالا یک بالشتک دارید شبیه معلم‌تان / چند سنجاق به بالشتک بزنید / به همین ترتیب می‌توانید بالشتک مامان و / بالشتک بابابزرگ و بالشتک پلیس هم درست کنید / یادتان باشد بالشتک عموشلیبی درست نکنید!». عموشلیبی، به آنها شجاعت می‌دهد و بیان این کنش‌ها، کودکان را التیام می‌دهد. او از مرزهای ممنوعه برای کودکان می‌گوید: مرزهایی که حتی فکر کردن به آن در کودک، به علت فضای تربیتی، حس گناه را شعله‌ور می‌سازد. استاین با شکستن این مرزها، کودک را از فشار بی‌پایان می‌رهاند. نمونه، قطعه‌ای از کتاب الفبای انگلیسی عموشلیبی: «دوستان کوچولویم همه‌شان مدام از من یک / چیز می‌پرسند و آن هم این که: عموشلیبی، شما / به ما بگویید: نی‌نی‌ها از کجا می‌آیند؟ / آخر، بابا و مامان که نمی‌گویند /...»

* او با آشنائی‌زدایی از موقعیت‌های عادی، هستی درونی، رفتارهای طبیعی و تمایلات

۳- گروه سوم، آثاری است که سیلور استاین از خودش می‌گوید. نمونه، در شعر «تعجب نکن»، از کتاب «پری دریایی»: «من قبول می‌کنم که قد بلند و خوش قیافه نیستم / و قبول می‌کنم سرم دارد طاس می‌شود / قبول دارم کمی چاقم /...» و یا در شعر «مادر، من برای تو می‌خوانم»، از کتاب «پری دریایی»: «من در جاده‌های غبارآلود آواز خوانده‌ام / و در پیاده‌روهای کثیف شهرها / برای اشک آوردن

۱. سیلور استاین: شل. ملکه قلب‌ها و پری دریایی، مترجم: جیستا پتربی، نشر نامیرا، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۷۲.

تحلیل کمی محتوای آثار براساس فرم اول (تعیین جنسیت)

عنوان کتاب	جنسیت راوی	شخصیت‌های زنانه		شخصیت‌های مردانه	
		در تصویر	در متن	در تصویر	در متن
القبای انگلیسی عموشلی (۴۱ تصویر)	عموشلی (راوی-نویسنده)	۲ تصویر زنانه	یک مورد جنسیت زنانه	۸ تصویر مردانه	۷ مورد جنسیت مردانه
لافکادیو	عموشلی (راوی)، خودبازی کننده لافکادیو، شخصیت اصلی داستان است.)	در این داستان، شخصیت اصلی لافکادیو (شیر نر) و دیگر شخصیت‌ها جنسیت نرینه دارند. فقط در یک تصویر، تماشاچیان سیرک، مرد و زن و کودک هستند و در تصویر دیگری، لافکادیو برای بچه‌ها (دختر و پسر) امضا می‌کند.	—	—	—
یک زرافه و نصفی	راوی - نویسنده	یک تصویر آقا زرافه و پسرک و نامزد زرافه	—	تصاویر، پسر و زرافه را ارائه می‌کند.	—
درخت بخشنده	راوی - ناظر ناظر می‌تواند نویسنده باشد.	—	یک مورد واژه زن در متن آمده است: «زن و بچه می‌خواهم...» می‌آید. (گفت وگویی مرد با درخت)	تصاویر، پسر و درخت را ارائه می‌کند.	پسر، مرد می‌تواند باشد.

پژوهش
مطالعات
جامع علوم انسانی

کسی یک کرگدن ارزون نمی‌خواهد؟ (۲۷ تصویر)	راوی - نویسنده	۶ تصویر «دختر و کرگدن»	۴ مورد	۲۶ تصویر نوینه (پسر - مرد - کرگدن)	۲ مورد	مخاطب بچه‌ها و بزرگسالان هستند. آنها به درون کتاب می‌آیند و از کرگدن استفاده می‌کنند تا شاید کسی او را بخرد.
باغ وحش رویایی (۲۰ تصویر)	راوی - نویسنده یا به عبارتی صحیح‌تر، صاحب باغ وحش رویایی	-	-	۴ تصویر مردانه	۲ مورد	مخاطب هر کسی می‌تواند باشد. فقط در شعر «کبوتر صلح»، مخاطب بچه‌ها هستند. هم چنین، در «پرند زمینی من»، نجوا و خیال راوی با خود است. در شعر «من نه» راوی در عین صحبت با مخاطب یا خزنده هم حرف می‌زند.
جایی که پیاده‌رو تموم می‌شه (۸۹ تصویر)	راوی - نویسنده راوی - قهرمان راوی قهرمان عموماً جنسیت مردانه دارد؛ به جز در چند شعر به عنوان نمونه «من و غولم» و «سایه شوشی».	۱۱ تصویر زنانه	۱۰ مورد	۲۲ تصویر مردانه	۲۷ مورد	مخاطب هر کسی می‌تواند باشد؛ به جز چند شعر.
در جست و جوی قطعه گمشده	راوی - ناظر	شخصیت‌ها تصاویر ذهن ساخته‌اند و در رو ساخت اثر جنسیت ندارند.			مخاطب هر کسی می‌تواند باشد.	
چراغی در زیر شیروانی (۹۰ تصویر)	راوی - قهرمان	۷ تصویر زنانه	۷ مورد جنسیت زنانه	۲۹ تصویر مردانه	۱۶ مورد جنسیت مردانه	مخاطب هر کسی می‌تواند باشد؛ جز چند شعر چرن «لیاس» چراغ در زیر شیروانی.
در جست و جوی قطعه گم شده	راوی - ناظر ناظر نویسنده است.	در متن و تصویر، جنسیت ندارد. شخصیت‌های تصویری، ذهن ساخته‌اند.			هرکسی می‌تواند باشد.	

آشنایی قطعه گم شده با دایره بزرگ	راوی - ناظر ناظر نویسنده است.	شخصیت‌های تصویری، ذهن ساخته‌اند و در رو ساخت اثر، جنسیت ندارند.	هر کسی می‌تواند باشد.
بالا افتادن (۱۵ تصویر)	راوی، نویسنده یا قهرمان است. وقتی راوی «شخصیت اصلی» است، عموماً جنسیت مردانه دارد و فقط در ۶ مورد جنسیت زنانه دارد.	۱۸ تصویر زنانه	۶۲ تصویر مردانه
ملکه قلبها** (۱۸ تصویر)	راوی، نویسنده یا شخصیت اصلی است	۲ تصویر زنانه	۴ مورد جنسیت مردانه
پری دریایی** (۲ تصویر)	راوی نویسنده است.	—	۲ مورد جنسیت مردانه

نمادی از جنسیت زنانه و دایره، نمادی از تمامیت است. شخصیت تصویری سه‌گوش که سیلور استاین است، در مدار داستانی، به دنبال گم شده خود می‌گردد. بنابراین، در ژرفساخت این دو اثر نیز فضای داستانی مردانه است؛ مردی که خود به تنهایی کامل می‌شود. و اما در دیگر آثار مورد بررسی، می‌توان گفت که متن جنسیت ندارد، اما اگر تصویری دارای جنسیت باشد، عموماً جنسیت انتخابی نویسنده، «مردانه» است.

بنابراین در آثار مورد بررسی، می‌توان جنسیت مردانه را در ساختار متن و تصاویری که جنسیت دارند، به عنوان موضوعی غالب پنداشت.

* تحلیل کیفی محتوای آثار براساس فرم دوم

در فرم دوم، به داده‌های محدودی دست می‌یابیم که در ادامه می‌آید:

** و ***. سیلور استاین، شل. ملکه قلبها و پری دریایی، مترجم: چیستا یثربی، نشر نامیرا، ۱۳۷۹، مترجم این کتاب را از دو کتاب استاین «کُنج کودکانه عمو شلی» و «پری دریایی» گزینده کرده است.

در تحلیل کیفی محتوای آثار در فرم اول، تصاویری که جنسیت ندارند، جنسیت نامشخص و یا مختلط دارند، در آمارگیری در نظر گرفته نشده است.

* نتایج به دست آمده از فرم اول

- کتاب‌های لافکادیو، درخت بخشنده و یک زرافه و نصفی، از جنسیت مردانه برخوردارند. تخیل در کتاب لافکادیو، «تخیل مردانه» است. لافکادیو، در جامعه‌ای زندگی می‌کند که زنی در آن وجود ندارد.

- تصاویر کتاب «کسی یک کرگدن ارزون نمی‌خواهد؟»، عموماً جنسیت مردانه دارند، اما در متن، عموماً جنسیت وجود ندارد.

- در رو ساخت کتاب‌های «در جست‌وجوی قطعه گم شده» و «ملاقات قطعه گم شده با دایره بزرگ»، جنسیتی وجود ندارد و شخصیت‌های ذهن ساخته تصویری، مدار داستانی را به جلو می‌برند. اما در ژرفساخت اثر، تصاویر ذهن ساخته مثل سه‌گوش، چهارگوش و دایره نماد چه هستند؟ سه‌گوش، نمادی از جنسیت مردانه و چهارگوش،

نمونه اول: در تصاویر کتاب «کسی یک کرگدن ارزون نمی‌خواد؟» که از حوزه درونی زندگی خارج شده، به فعالیت بیرونی انسان ارتباط دارد، کلیشه‌های تبعیض جنسی به چشم می‌خورد.

نوع بازی (فعالیت - اوقات فراغت)

نوع بازی	نقش دختر	نقش پسر	نقش کرگدن
دزد دریایی	دختر به بند کشیده شده است.	پسر با دزد دریایی می‌جنگد.	دزد دریایی
طناب‌بازی	دختر طناب‌بازی می‌کند.	—	کرگدن طناب‌بازی می‌کند.
کشتی بازی	دختر موهایش را به باد سپرده و در وسط کشتی نشسته است.	دو پسر کشتی را هدایت می‌کنند.	کرگدن، کشتی است.
پلیس بازی	—	پسر پلیس	کرگدن دزد
دکتر بازی	پرستار	پزشک	مریض
خانه سازی	—	پسر برای کرگدن خانه می‌سازد.	—
شن بازی	دختر با کرگدن شن‌بازی می‌کند.	—	—
شنا	—	پسر با کرگدن شنا می‌کند.	کورسه می‌شود و دیگران رامی‌ترسانند.

کلیشه در نوع فعالیت زنان و مردان موجودیت یافته در تصاویر کتاب «کسی یک کرگدن ارزون نمی‌خواد؟»

فعالیت‌های مردانه		فعالیت‌های زنانه	
نوع فعالیت	شخصیت	نوع فعالیت	شخصیت
روی مبل نشسته، نوشابه می‌نوشد (اوقات فراغت).	عموتون	شیرینی می‌پزد (خانگی).	مادر بزرگ
مطالعه (اوقات فراغت).	پدر	بلوزی می‌بافد (خانگی).	عمه
ماهی‌گیر و کشاورز (حرفه‌ای)	مرد	تنبیه می‌کند (تربیتی).	مادر
پول توجیبی می‌دهد* (تربیتی).	پدر		

کلیشه در فعالیت اوقات فراغت دختر و پسر موجودیت یافته در تصاویر کتاب و بالاخره، با وجود این که جنسیت کرگدن در داستان مشخص نیست، اما در متن چنین آمده است: «کرگدن اصلاً خوشش نمی‌آید با لباس دخترونه، بپریش جشش و مهمونی». تصویری که با این متن همراه است، کرگدن عصبانی و پسرهایی را که به او می‌خندند، نشان می‌دهد.

نوع دوم: نوع فعالیت‌های مورد بحث در کتاب لافکادیو

در این داستان، با جامعه‌ای روبه‌رو می‌شویم که حاصل تخیل مردانه است؛ جامعه‌ای که از قدرت نشأت

* این کنش پدر، نشان دهنده این است که امرار معاش خانواده به عهده پدر است. گفتنی است که در کتاب‌های دیگر هم مرگه‌ها این مورد بیان شده است، این وظیفه به عهده پدر است.



گرفته و فقط فعالیت‌های حرفه‌ای، اجتماعی و اوقات فراغت مردان را تصویر می‌کند. در این جامعه، از زنان خبری نیست. شاید آنان در خانه‌ها باشند!!! متعلق جامعه، قدرت مردانه است. در این جامعه، لافکادیو (شیر نر) پرورنده می‌شود. او با غرغور... و ایجاد وحشت، به خواسته‌هایش می‌رسد.

نمونه سوم: نوع فعالیت‌های مورد بحث در دیگر آثار سیلور استاین

با نمونه‌های بسیار محدودی از فعالیت‌های مورد بحث در این آثار روبه‌رو می‌شویم:

*** نمونه‌هایی از فعالیت خانگی**

- شعر «سایه‌شویی»^(۱): من از همون اولی که سایه داشتم / هیچ وقت تا حالا اون رو نشسته بودم / به نظرم او مد کلی کثیف شده بود / امروز از روی دیواری که بهش لم داده بود / به هر ترتیبی بود کندمش / و با رخت و لباس‌هام / توی تشت انداختمش /... «من» در این قطعه، جنسیت ندارد. او سایه‌اش را می‌شوید. او هر کسی می‌تواند باشد. اما تصویر همراه با این قطعه، جنسیت زنانه دارد. «زنی رخت می‌شوید!»

- در قطعه شیپور، از کتاب الفبای انگلیسی عموشلبی: «دفعه بعد که مامان می‌رود خرید ازش بخواه برایت یک شیپور بخر...» و یا در شعر «مامان کجاست؟»، از کتاب «ملکه قلب‌ها و پری دریایی»: «مامان رفته خرید...»

- در شعر «چگونه مجبور نباشیم ظرف‌ها را خشک کنیم»، از کتاب «چراغی در زیر شیروانی»، متن جنسیت ندارد. اما تصویر دخترکی را که مشغول خشک کردن ظرف است، نشان می‌دهد.

- در شعر «آدم آهنی من»، از کتاب «بالا افتادن»، تصویر از زنی حکایت می‌کند که حتی با خرید آدم آهنی، او را از کارهای خانگی گریزی نیست.

و اما تهیه خانه برای زن و فرزند، در کتاب «درخت بخشنده»، به عهده مرد است.

- پول توجیبی دادن، به عهده پدر است. از کتاب «کسی یک کرگدن آرزون نمی‌خواد؟»

- در قطعه «مثل بابا»، از کتاب «الفبای انگلیسی عموشلبی...» / طفلکی بابا پول ندارد برود سلمانی / آخر هر چه پول درمی‌آورد خرج آجیل و اسباب‌بازی تو / می‌کند. طفلکی بابا /... همان‌طور که می‌بینیم، امرارمعاش به عهده پدر است.

- در قطعه «بچه‌ها کریسمس مبارک!»، از کتاب «الفبای انگلیسی عموشلبی»، عموشلبی به بچه‌ها یک سکه نو برق برقی، به عنوان هدیه کریسمس چسبانده است. اما عمو شلبی، این گونه به بچه‌ها هشدار می‌دهد: «امیدوارم مامان‌تان این سکه را از این‌جا درنیارود و برای خودش برندارد!» در قطعه «پول»، از همین کتاب می‌آید: «بابا و مامان همیشه سر پول با هم دعوا می‌کنند... می‌دانی که اسکناس‌های درشت، رنگشان سبز است. آنها توی کیف مامان است... مامان پولی از خود ندارد و این پدر است که امرارمعاش خانواده را به عهده دارد. مادر فقط هر کجا پول ببیند، برمی‌دارد و در واقع، او پول‌ها را بلوکه می‌کند.

*** نمونه‌هایی از فعالیت تربیتی (با کودکان)**

در آثار مورد بررسی، هرگاه کودک، با پیام‌های تربیتی، از کاری منع شود، عموماً پیام‌رسان مادر است.

- در شعر «مامان و خدا»، از کتاب «جایی که پیاده‌رو تموم می‌شه»: «خدا به ما انگشت داده - مامان می‌گه «با چنگال غذا بخور» / خدا به ما صدا داده - مامان می‌گه «جیغ نزن» / مامان می‌گه: «کلم

۱. سیلور استاین، شل. جایی که پیاده‌رو تموم می‌شه، مترجم: حمید خادمی، تهران، کتاب پنجره، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹.

در تابلوهایی اعلام می‌دارند. از کتاب چراغی در زیر شیروانی ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

– در شعر «آدم رئوف»، از کتاب بالا افتادن: «بناتریس برایت» طرفدار حقوق موجوداته / منتظر رسیدن روز جهانی حیواناته / با این که در این جا اون رو با خَر تازه روباهش می‌بینید / اما روباهی که پوشیده، زنده‌س، می‌دونید؟» تصویر همراه با این متن، زنی را که دور گردنش خَرِی روباه شکل پیچیده است، نشان می‌دهد.

❖ نتایج به دست آمده از فرم (۲)

از آن جا که آثار سیلور استاین، به زندگی درونی انسان مربوط می‌شود، در فرم (۲) به داده‌های محوری دست می‌یابیم. در ضمن، کلیشه‌های به دست آمده در آثار مورد بررسی، به جز در «کسی یک کرگدن ارزون نمی‌خواد؟»، بسیار ناچیز بود. اما همین «نقش الگو»، یعنی نقش‌های محول شده به شخصیت‌های موجودیت یافته در این آثار (در ساختار متن و تصویر)، با آن چه اکثریت جمعیت در واقعیت امر انجام می‌دهند، همخوان است. این چیزی جز انتقال کلیشه‌های تبعیض جنسی نیست! و در تحکیم کلیشه‌های نقش بسته در ذهن مخاطب، تأثیر به سزایی دارد.

❖ نتایج به دست آمده از فرم (۳)

سیلور استاین، انسان را ارزش‌گذاری نمی‌کند. او انسان را در دو قطب نیکی و بدی، ضعف و قدرت

بخور، حیویات و هویج بخور. / ولی خدا به ما هوس بستنی شیرهای داده. / ...»

❖ نمونه‌هایی از فعالیت حرفه‌ای

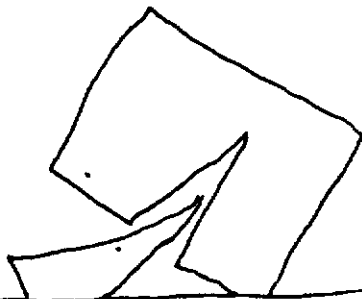
در آثار مورد بررسی، حرفه‌هایی که برای زنان تعریف شده، عبارتند از: معلمی، طالع‌بینی، شعبده‌بازی و ملکه. از طرف دیگر، حرفه‌های تعریف شده برای مردان، عبارتند از: پرفسور، جانورشناس، ناخدا، برزگر، سمسار، دندانپزشک، آتش‌نشان، شاه، مدیر، کارگر راه‌آهن، ژنرال، دزد دریایی، پستیچی و...

❖ نمونه‌هایی از فعالیت اوقات فراغت

موسیقی برای پسرک، تصویر شعر «درس موسیقی»، از کتاب بالا افتادن.
یه قُل دوقُل برای دخترک، تصویر شعر «یه قُل دوقُل»، از کتاب بالا افتادن.
طناب‌بازی برای دخترک، تصویر شعر با «طناب‌بازی» از کتاب جایی که پیاده‌رو تموم می‌شه. دویدن برای مردان، تصویر شعر «دوندگان»، از کتاب بالا افتادن.

❖ نمونه‌هایی از فعالیت اجتماعی

در مجموعه آثار مورد بررسی، تقریباً می‌توان گفت نمونه‌ای از فعالیت اجتماعی وجود ندارد.
– «اتحادیه حمایت از حقوق پایمال شده کودکان»، دختر و پسرانی که خواست‌های خود را



و... در نوسان می‌بینند. او می‌داند انسان بدون این دو وجه، واقعی نیست. به همین دلیل است که در این فرم، اطلاعات قابل توجهی به دست نمی‌آید.

نمونه‌ها

- در شعر «لوس نُئُر»، از کتاب «بالا افتادن»، جنسیت لوس نُئُر مشخص نیست. او هرکسی می‌تواند باشد، اما در تصویر همراه با این شعر، جنسیت لوس نُئُر، زنانه تعریف شده است.

- در شعر «تنبیل خانوم»، از کتاب «جایی که پیاده‌رو تووم می‌شه»، تنبیل در متن و تصویر، جنسیت زنانه دارد.

- در شعر «اول من»، از کتاب «چراغی در زیر شیروانی»، حکایت از پالماس (تصویر جنسیت زنانه دارد) که همیشه در هر کاری، با فریاد اعلام می‌کند که «اول من» و آن‌قدر خودمحور و ابله است که حتی وقتی در جنگل گرفتار قبیله آدم‌خورها می‌شوند و شاه آدم‌خورها می‌خواهد آنها را بخورد، با صدایی لرزان از ترس فریاد می‌زند «اول من!»

* جمع‌بندی حاصل از سه فرم

با بررسی اطلاعات به دست آمده از سه فرم، اگرچه مواردی از کلیشه‌های تبعیض جنسی قابل مشاهده است، طرح‌ریزی آثار از نظر مضمون، آن گونه است که آنها را از کلیشه‌های تبعیض جنسی دورنگه می‌دارد. دلیلش شاید این باشد که مضمون اشعار سیلور استاین، عموماً به رودرویی درون انسان و نقابی که نقش‌های قراردادی اجتماعی برای او معین کرده است، مربوط می‌شود؛ نقش‌هایی که جدای از فردیت حاکم بر بقایای شخصیت است و تمام آن‌چه را ناخودآگاه شخصی و جمعی نامیده می‌شود، انکار می‌کند. و اما آن‌جا که از این مضمون دوری شود، چون کتاب «کسی یک کرگدن ارزون نمی‌خواد»، کلیشه‌های تبعیض

جنسی، موضوعی غالب در کتاب است. * و اما با توجه به نتایج به دست آمده از فرم اول، به نظر می‌رسد که «فضای مردانه» در آثار مورد بررسی غالب است. در انتخاب جنسیت، در تصاویر و یا متن، نویسنده جنسیت مردانه را ترجیح داده است.

* در جستجوی آنیمای

سیلور استاین، در کتاب «آشنائی قطعه گم شده با دایره بزرگ»^(۱)، به دنبال قطعه گم شده خود می‌گردد. قطعه گم شده او کیست؟ «در انتظار کسی است که از راه برسد و او را با خود ببرد.» او با کسی جور در نمی‌آید. البته، با چهارگوش (شکل مربع) جور در می‌آید، اما چون نمی‌تواند با او قیل بخورد، از او جدا می‌شود... با افراد بسیاری مواجهه می‌شود، اما با آنها نیز جور در نمی‌آید و تنها می‌ماند... بالاخره، او به تنهایی آن قدر بلند می‌شود که می‌افتد و شکلش کم‌کم عوض می‌شود و به این طریق، به تمامیت می‌رسد. آیا سه‌گوش، به تنهایی می‌تواند به دایره که مظهر تمامیت است، برسد؟

در شعر «بگذار چیزی باشم»^(۲) سیلور استاین، «خود» را برای مخاطب زمزمه می‌کند: اگر نمی‌توانم همیشه مال تو باشم / اجازه بده گاهی، زمانی از آن تو باشم / و اگر نمی‌توانم گاهی زمانی از آن تو باشم / بگذار هر وقت که تو می‌گویی، کنار تو باشم / اگر نمی‌توانم دوست خوب و پاک تو باشم / اجازه بده دوست پست و کثیف تو باشم / اگر نمی‌توانم عشق راستین تو باشم / بگذار باعث سرگرمی تو باشم / اما مرا این طوری ترک نکن / بگذار در زندگی تو، دست کم چیزی باشم... در این

۱. سیلور استاین، شل. آشنائی قطعه گم شده با دایره بزرگ، مترجم: رضی خدادادی (هیرمندی)، نشر هستان، ۱۳۷۸.
۲. سیلور استاین، شل. ملکه قلب‌ها و پری دریایی، مترجم: جیستا یشربی، نشر نامیرا، ۱۳۷۹.

نگرش سیلور استاین به انسان، به گونه‌ای خود انگیزه است. او از دیدگاه خاصی به انسان نمی‌نگرد.

منطق او از حس درونی‌اش مایه می‌گیرد. راه او همان راه احساس و ادراک انسان در شعر است. او واسطه‌ها، بازدارنده‌ها و پرسوناها را به دور می‌ریزد و به ذات آزاد آدمی می‌رسد. و همین سادگی و خلوص است که حضور انسان را در شعرش می‌خواند. زبانش، زبان بی‌واسطه با انسان می‌شود که همانا زبان عشق است؛ یعنی شریف‌ترین و آرمانی‌ترین رابطه بی‌واسطه میان انسان و انسان با مجموعه هستی.

اما چرا در این حس خودانگیزه، آن جا که خویشتن او به بیان درمی‌آید، زنی جز مادرش حضور ندارد؟

در شعر «مادر، من برای تو می‌خوانم» (کتاب پری دریایی)، نیروی عشق، حامل اولین آنیما را بیان می‌کند: «من در جاده‌های غبارآلود آواز خوانده‌ام / و در پیاده‌روهای کثیف شهرها / برای اشک آوردن به چشمان بی‌رحم مردان جنگل / ... / اما حالا مادر... می‌خواهم تنها برای تو بخوانم / بگذار بگویم مادر که من هرگز / خاطره چیزهای قشنگی را که می‌گفتی، از یاد نبرده‌ام / و کارهای لطیفی که انجام می‌دادی / و هر چند بزرگ شده‌ام / اما این آواز را برای تو می‌خوانم / ... / هنوز حرف‌هایی برای گفتن هست... / و مادر... / من این آواز را تنها برای تو می‌خوانم...»

در شعر «مار بوا» (کتاب پری دریایی)، مار بوا کیست که سیلور استاین را نشخوار می‌کند؟ آیا مار، بخشی از ناخودآگاهش نیست که او را می‌بلعد. این مار کیست؟

جا، سیلور استاین باز هم گم شده خود را می‌یابد، اما گم شده‌ای که او را ترک می‌کند. این ناشناس، این گم شده کیست؟ آیا این همان آنیما نیست که سیلور استاین، نمی‌تواند با او ارتباط برقرار کند؟ او در شعر «نی‌انبان»^(۱)، موضوع شعر «بگذار چیزی باشم» را با حس دیگری، لاکپشتی که در ساحل به نی‌انبانی برخورد کرده، بیان می‌کند: «لاکپشت به نی‌انبان گفت: «تمام طول این ساحل خلوت‌تر و پیاده‌اومدم / فقط با موج‌ها و سنگریزه‌ها حرف زدم - تا حالا هم عاشق هیچ کس نشده‌ام / می‌ای با من عروسی کنی ای نازنین؟ / می‌خواهی بگی «نه» نازنین؟ / اما نی‌انبان نگفت «نه» / ... / لاکپشت به نی‌انبان گفت، «اگه تو هم دوستم داری، پس به زیون بیار! / بذار توی گوش خوشگلتم زمزمه کنم و بچسبونمت به سینتم، ای یار. / بعد اون رو در آغوش کشید و بنا کرد عشوه‌گری کردن / و عاشقانه اون رو بغل کردن، در همین اثنا / نی‌انبان گفت، «آئوو، آ.» / لاکپشت به نی‌انبان گفت، «ببینم بوق زدی، عرعر کردی، شبیه کشیدی، چه می‌گی؟ / «آئوو، آ» گفتن در عوض بوسه، چیه جز یه جور بی‌عاطفگی؟ / منظورت اینکه کار خلافی از من سرزده؟ / منظورت این که عشق ما به پایان رسیده؟ / نی‌انبان نگفت نه / ... / بالاخره لاکپشت گفت و گفت و گفت، بدون آن که جوابی بشنود او خود به تنهایی، خودش را به جایی دعوت کرد، به قاضی رفت و محکوم کرد و غمگین رفت.» / این جوری شد که لاکپشت گریون و دست از پا درازتر رفت و دیگه هیچ وقت برنگشت.»^(۲)

سیلور استاین، چه زیبا و بی‌پرده در این شعر، روابط میان آدم‌ها را به طنز می‌نشیند. اما در شعر «بگذار چیزی باشم»، آن گاه که خویش را زمزمه می‌کند و از زاویه اخلاق فردی به انسان مهر می‌ورزد و از زاویه اخلاق فردی به زنان می‌نگرد، برای زن جایی وجود ندارد. او گم شده است! او از دست رفته است!

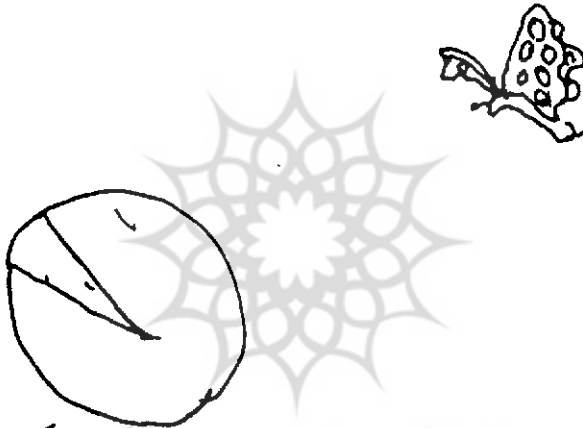
۱. سیلور استاین، شل، جایی که پیاده‌رو تموم می‌شه، مترجم: حمید خادمی، نشر پنجره، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.
۲. همان، ص ۱۵۰.



گنجی است که در این دریا نهفته است. این پری دریایی، همان عنصر مادینه، یعنی آنیما است. این همان یاور همراه و عزیز است که سیلور استاین، او را نمی‌بیند و شاید تجلی همین گریز فضای مردانه موجود در آثارش باشد!

منبع برای بررسی کلیشه تبعیض جنسی
میشل آندره. پیکار با تبعیض جنسی، مترجم:
محمدجعفر پوینده، انتشارات نگاه، ۱۳۷۶.

و در شعر «پری دریایی» (کتاب پری دریایی)، می‌گوید: «وقتی دوازده ساله بودم / عادت داشتم به تصویر پریان دریایی در کتاب‌ها و مجلات نگاه کنم / و آن قدر بزرگ شده بودم که بفهمم / آنها واقعاً وجود ندارند / ولی همیشه فکر می‌کردم / اگر آنها واقعاً وجود داشتند / ما باید با آنها چه کار می‌کردیم / اگر تصادفاً یکی از آنها به تورمان می‌خورد؟!... در دریای وجود سیلور استاین، گنجی نهفته که او آن را انکار می‌کند. از او می‌گریزد. این دریا، نمادی از عمق وجود است و این پری دریایی،



شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

